

نیازسنجی آموزشی، مهارتی و نگرشی اعضای هیأت علمی رشته
زبان و ادبیات عربی از دیدگاه دانشجویان (مطالعه موردی: دانشجویان
کارشناسی و کارشناسی ارشد گرایش ادبیات عربی دانشگاه‌های دولتی کشور)
نوع مقاله: پژوهشی

مصطفی عزیزی شمامی^۱، مهدی شاهرخ^{۲*}، نیلوفر محرمی^۳

۱. استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه مازندران

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه مازندران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه علوم تربیتی دانشگاه مازندران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۴

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی نیازهای آموزشی، مهارتی و نگرشی اعضای هیأت علمی رشته زبان و ادبیات عربی از دیدگاه دانشجویان مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد گرایش ادبیات عربی در دانشگاه‌های دولتی کشور انجام گرفت. روش پژوهش ترکیبی از نوع کیفی-کمی است که در دو مرحله انجام گرفت. در مرحله اول جهت شناسایی مهم‌ترین نیازهای آموزشی، مهارتی و نگرشی اساتید به گونه‌ای هدفمند از ۲۵ نفر از متخصصان و اساتید حوزه زبان و ادبیات عربی مصاحبه‌ای نیمه‌ساختاریافته به عمل آمد و اطلاعات گردآوری شده با استفاده از روش کدگذاری موضوعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و مؤلفه‌های مربوطه در ۶ حیطه کلی دسته‌بندی شد. در مرحله دوم جهت الویت‌بندی هریک از حیطه‌ها از میان ۶۰۰۰ نفر از دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد گرایش ادبیات عربی در ۳۱ دانشگاه دولتی کشور، ابتدا ۱۰ دانشگاه به صورت هدفمند انتخاب و سپس با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتساب متناسب ۴۸۶ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. نتایج نشان داد که در حوزه دانش مورد نیاز اساتید، تسلط کافی بر زبان و واژگان عربی، در حوزه مهارت‌های مورد نیاز، مهارت‌های چهارگانه زبانی، در حوزه شیوه تدریس، رعایت اخلاق علمی و دانشگاهی، در حوزه مسائل مرتبط با دانشجویان و کلاس، رعایت فاصله لازم استاد و دانشجو جهت حفظ حریم اخلاقی، در حوزه محتوای آموزشی، تلاش در جهت انتقال شایسته محتوای دروس با دانشجویان و در حوزه شیوه ارزشیابی، ارزیابی به‌دور از ایجاد ترس و حواشی جانبی و به‌عنوان مهم‌ترین نیازهای آموزشی اساتید محسوب می‌شوند. همچنین بین مقطع تحصیلی و دیدگاه دانشجویان در خصوص نیازهای اساتید به جز دو مؤلفه محتوای آموزشی و شیوه ارزشیابی تفاوت معناداری وجود ندارد.

کلیدواژه‌ها: نیازسنجی آموزشی، اعضای هیأت علمی، اولویت‌بندی نیازها، آموزش زبان و ادبیات عربی.

مقدمه

یکی از وظایف دشوار جامعه برعهده نظام آموزش عالی و دست‌اندرکاران آن است و توسعه کارکنان مؤسسات آموزش عالی، در بیشتر کشورهای پیشرفته مورد توجه بوده است (خدایاری، حسینی‌نسب و یاری، ۱۳۹۳: ۱۴). اعضای هیأت‌علمی مهم‌ترین سرمایه هر مؤسسه آموزش عالی محسوب می‌شوند و تحقق اهداف آموزش عالی و کمک به یادگیری اثربخش دانشجویان به‌وسیله آنان محقق می‌شود و این امر زمانی امکان‌پذیر است که نیازهای آموزشی آنان به‌درستی شناخته شده و فرآیند نیازسنجی به‌درستی انجام شود. ماهیت و کیفیت یک مؤسسه آموزش عالی در گرو کیفیت توان علمی اعضای هیأت‌علمی آن است و یک مؤسسه آموزش عالی نمی‌تواند در غیاب اعضای هیأت‌علمی مجهز به علم و دانش، توان، مهارت‌های حرفه‌ای، تعهد و انگیزه واقعی، آموزش و پژوهش کیفی ارائه کند (قلی‌فر و همکاران، ۱۳۸۹: به‌نقل از وثوقی‌فرد، ۱۳۹۳: ۳). در این راستا پژوهشی که توسط خدیوی و همکاران در سال ۱۳۹۷ در خصوص عوامل موثر بر کیفیت آموزش و تدریس در دانشگاه فرهنگیان انجام شد، نشان داد که ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای اساتید در کنار عوامل درون‌ساختاری و مدیریت کلاس درس، به‌عنوان مهم‌ترین عوامل تضمین‌کننده کیفیت آموزشی محسوب می‌شوند.

نیازسنجی در اصطلاح فرآیندی نظام‌دار برای تعیین اهداف، شناسایی فاصله بین وضع موجود و هدف‌ها و درنهایت تعیین اولویت‌ها برای عمل است (دلوی و غضنفری، ۱۳۸۴: به‌نقل از بدری‌آذرین، ۱۳۹۱: ۶). تلقی نیازسنجی به‌عنوان فرآیند جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات که براساس آن نیازهای افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و جوامع، شناسایی می‌شود، دارای قدمتی به‌اندازه خود تعلیم و تربیت و درواقع به قدمت خود انسان است، زیرا انسان در طی قرون و اعصار همواره ناگزیر از شناسایی نیازهای متنوع خویش و تصمیم‌گیری درباره طرق مرتفع ساختن آن‌ها بوده است (فتحی‌اجارگاه، ۱۳۹۵: ۱۳۶). اگر برنامه‌داری دارای چهار عنصر اهداف، محتوا، روش تدریس و ارزشیابی باشد، نیازسنجی یکی از مؤلفه‌های مهمی است که پایه و اساس هر چهار عنصر به‌شمار می‌رود (مهرمحمدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲). کاربرد اصلی نیازسنجی می‌تواند متمرکز بر شناسایی نیازهای دانشجویان، نیازهای آموزشی اساتید و تعیین نیازهای آتی نظام آموزشی

محلی، منطقه‌ای و ملی باشد (سوارز^۱، ۱۹۹۶: به نقل از وثوقی فرد، ۱۳۹۳: ۷). در ایران مطالعات نیازسنجی مسئله‌ای نوظهور به شمار می‌آید و به ندرت می‌توانیم اقدامات و مطالعات نیازسنجی را در بیش از یک دهه گذشته جست‌وجو کنیم. اولین و اساسی‌ترین گام در تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی، اجرای صحیح و مبتنی بر واقعیت فرآیند نیازسنجی است (تیلور و ادرسکول^۲، ۲۰۰۶: به نقل از خدایاری، حسینی‌نسب و یاری، ۱۳۹۳: ۱۶). فتحی و اجارگاه (۱۳۹۵: ۱۴۸-۱۴۹) معتقد است، به‌طورکلی سه دسته روش‌ها و فنون برای نیازسنجی وجود دارد که عبارتند از:

۱. روش‌ها و فنون توافق‌محور: در این دسته از روش‌ها و فنون، نیاز به‌عنوان خواست یا ترجیح مد نظر است و سعی بر آن است تا میان نظرات مختلف در مورد مهم‌ترین نیازها نوعی توافق برقرار نمایند. برخی از مهم‌ترین تکنیک‌هایی که در این روش به‌کار می‌روند، عبارتند از: تکنیک دلفی، تکنیک فیش باول و تکنیک تل‌استار.

۲. روش‌ها و فنون مسأله‌محور: این دسته از تکنیک‌ها مبتنی بر تعاریف نیاز، به‌عنوان یک عیب یا نقصان هستند. از طریق این روش‌ها و فنون، برنامه‌ریزان درسی عملکردهای منفی دانش‌آموزان یا دانشجویان و معلمان را شناسایی می‌کنند و نتایج را مبنای کار قرار می‌دهند. مهم‌ترین تکنیک‌هایی که در این روش به‌کار می‌روند، عبارتند از: تکنیک رویداد مهم و تکنیک درخت خطا.

۳. تکنیک‌ها و روش‌های هدف‌محور: این تکنیک‌ها از پیچیدگی و درعین حال اطمینان بیشتری برخوردار هستند و در واقع بر تعریف نیاز به‌عنوان فاصله بین وضع موجود و مطلوب مبتنی هستند. مهم‌ترین روش‌ها و فنونی که در این طبقه جای می‌گیرند عبارتند از: الگوی کلاسیک، الگوی استقرایی، الگوی قیاسی و الگوی کلاین.

سنجش نیازهای کارکنان بخشی از یک فرآیند برنامه‌ریزی است که هدف آن شناسایی و حل مشکلات عملکردی کارکنان است (سوئیت^۳، ۲۰۰۱: به نقل از عزیزی شمami، نوه‌ابراهیم و فراگوزلو، ۱۳۹۰: ۲۳). در بسیاری از اوقات بذل تلاش‌های آموزشی، صرفاً به‌دلیل نامناسب بودن موضوعات تدریس با نیازهای واقعی گیرنده‌های آموزش به خاک بی‌حاصلی می‌نشیند (ابطحی، ۱۳۸۳: ۱۲۰).

^۱ Suarez

^۲ Taylor & O'Driscoll

^۳ Suite

ارزیابی نیازهای آموزشی موجب هدایت طرح‌های آموزشی می‌شود و چارچوب اصلی برای آموزش مداوم است. هنگامی که در یک نظام آموزشی، نیازهای آموزشی مناسب برای مخاطبان مورد نظر ارزیابی می‌شود، مزایایی را دربردارد که عبارتند از:

۱. یادگیرنده در امر آموزش به‌گونه‌ای فعال درگیر می‌شود.

۲. آشنایی با انتظارات، خواسته‌ها و نیازهای یادگیرنده.

۳. افزایش دانش، نگرش و مهارت‌های یادگیرنده و یاددهنده.

امروزه نیازسنجی آموزشی اساتید دانشگاه، فعالیتی است که با هدف توانمندسازی اعضای هیأت علمی به‌انجام می‌رسد (میرزایی کارزان و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۲).

اهمیت زبان و ادبیات عربی در نظام جمهوری اسلامی ایران بر کسی پوشیده نیست. زبان عربی در واقع کلید فهم فرهنگ قرآنی و اسلامی و بهترین وسیله ارتباط میان کشورهای اسلامی و ایران به شمار می‌رود. فراگیری زبان عربی در مقام زبان دین و فرهنگ اسلامی ما و یکی از غنی‌ترین و پرکاربردترین زبان‌های دنیا، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، به‌خصوص ایران با نارسایی‌ها و چالش‌های بسیاری مواجه است. این درحالی است که در مقایسه، زبان بین‌المللی انگلیسی در بین لایه‌لایه‌های روان، اندیشه و ارتباطات اجتماعی نفوذ می‌کند و در مقام چاشنی قدرت و با به‌کارگیری تمامی ابزارهای روانی، فرهنگی، اجتماعی، آموزشی، رسانه‌ای و غیره با تمام قوا به پیش می‌تازد (کریمی و انصاری، ۱۳۹۳: ۱۱۰).

آموزش زبان عربی در ایران تا پیش از انقلاب اسلامی بیشتر در حوزه‌های علمیه انجام می‌شد و این حوزه‌ها نیز در چهار شهر بزرگ ایران (قم، مشهد، تهران، اصفهان) قرار داشتند. در دبیرستان‌ها نیز تنها در رشته‌های ادبی، انجام می‌گرفت و محدود به آموزش قواعد صرف و نحو بود و ارتباطی با نیازمندی‌های روز و اطلاعات مرتبط با جنبه‌های مختلف زندگی نداشت. در دانشگاه نیز از بدو تأسیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی در دانشگاه تهران تا سال ۱۳۴۸، آموزش زبان و ادبیات عربی زیر نظر گروه زبان و ادبیات فارسی قرار داشت؛ تا آن‌که در آبان ماه سال ۱۳۴۸ با توجه به نیاز کشور به مترجمان و محققان زبان و ادبیات عربی، این رشته به‌عنوان گروه آموزشی مستقل شناخته شد (پروینی، ۱۳۸۹: ۱۰). در آموزش عربی معمولاً آگاهی در مورد ضرورت تحلیل نیازها به‌عنوان زبان خارجی وجود ندارد، به‌ویژه که عربی در دسته

زبان و ادبیات عربی در دانشگاه‌ها برای اهداف عام تدریس می‌شود و مشخص کردن اهداف آن کار سختی است (محمدی رکعتی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۵۲).

هدف پژوهش

یکی از کارهایی که به غنی‌تر شدن رشته زبان و ادبیات عربی و افزایش کارایی و اثربخشی آن کمک شایانی می‌کند، فرآیند نیازسنجی آموزشی است، به این دلیل که طی این فرآیند مشخص می‌شود چه دانش، نگرش و مهارت‌هایی در جهت رسیدن به اهداف، مورد نیاز است و کدام یک از این موارد، از اهمیت بیشتری برخوردار است. در رابطه با نیازسنجی آموزشی اعضای هیأت علمی در ایران تحقیقات قابل توجهی صورت گرفته است و هر کدام از زوایای مختلف فرآیند نیازسنجی آموزشی را بررسی کرده‌اند، اما در رابطه با نیازسنجی آموزشی اساتید رشته زبان و ادبیات عربی از دیدگاه دانشجویان این رشته تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است. به همین خاطر، هدف اصلی پژوهش حاضر، شناسایی نیازهای آموزشی، مهارتی و نگرشی اساتید رشته زبان و ادبیات عربی از دیدگاه دانشجویان مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد این رشته است.

سؤالات پژوهش

۱. نیازهای آموزشی، مهارتی و نگرشی اساتید رشته زبان و ادبیات عربی کدامند؟
۲. میزان انطباق هر یک از نیازهای شناسایی شده با دیدگاه دانشجویان چگونه است؟
۳. آیا بین دیدگاه دانشجویان در خصوص نیازهای آموزشی، مهارتی و نگرشی اساتید رشته زبان و ادبیات عربی با توجه به مقطع تحصیلی تفاوت معناداری وجود دارد؟
۴. اولویت‌بندی نیازهای آموزشی، مهارتی و نگرشی اساتید رشته زبان و ادبیات عربی از دیدگاه دانشجویان کدام هستند؟

پیشینه پژوهش

با توجه به اهمیت و جایگاه نیازسنجی در بهبود کیفیت فرآیندهای آموزشی تاکنون پژوهش‌های گوناگونی در این زمینه صورت گرفته است، از جمله:

کریمی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان «تحلیلی بر نیازهای آموزشی اعضای هیأت علمی به منظور توانمندسازی آنان در دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد» نیازهای آموزشی اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد را به منظور توانمندسازی آنان مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که از نظر اساتید به ترتیب حیطه‌ی روش‌ها و فنون نوین تدریس، راهنمایی و مشاوره آموزشی، روش‌های ارتقاء حرفه‌ای، ضوابط و مقررات دانشگاهی، کاربرد رایانه در آموزش، عملکرد مبتنی بر شواهد و روش‌های ارزیابی دانشجو به عنوان مهم‌ترین نیازهای آموزشی محسوب می‌شوند.

نارنجی ثانی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت عنوان «شناسایی نیازهای یادگیری اعضای هیأت علمی در آموزش عالی الکترونیکی» دریافتند که نیازهای یادگیری مدرسان شامل سه دسته نیازهای قبل از تدریس از جمله ایجاد انگیزه برای یادگیری الکترونیکی و تعهد حرفه‌ای و اخلاقی، نیازهای حین تدریس از جمله مدیریت زمان، ارزیابی در طول ترم و ارائه بازخورد و نیازهای بعد از تدریس از جمله ارزیابی نهایی و ارتباط با دانشجو پس از اتمام دوره است که از میان آن‌ها نیازهای قبل از تدریس اهمیت ویژه‌ای دارد.

محمدی رکعتی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان «نیازسنجی برنامه درسی مهارت‌های زبانی در مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات عربی، تحلیل مشکلات زبانی دانشجویان در مهارت‌های زبانی» دریافتند که دانشجویان در مهارت‌های شنیدن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن بالاتر از حد متوسط با مشکل مواجه هستند و مشکلات زبانی آنان ممکن است ناشی از ضعف توانش ارتباطی باشد.

کیتا و زیداسماعیل (۲۰۱۶) در پژوهشی تحت عنوان «صلاحیت‌های آموزشی معلمان زبان عربی برای غیرعربی زبانان با توجه به استانداردهای کیفیت از دیدگاه متخصصان» ۵۰ صلاحیت را در سه حوزه برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی شناسایی نمودند و دریافتند که از میان ۲۰ صلاحیت مرتبط با برنامه‌ریزی، مؤلفه‌های دانستن مشخصات یک آزمون زبان خوب و مبانی ساخت آن و شناخت منابع و مراجع برای ارائه دانش زبانی در اولویت قرار دارند. از میان ۲۰ صلاحیت مرتبط با حوزه اجرا، مؤلفه‌های توانایی تغییر سؤالات ارزیابی و توانایی استفاده از روش‌هایی برای حمایت و تقویت پاسخ‌های فراگیران در حین اجرای دروس و سرانجام از

میان ۱۰ صلاحیت مرتبط با حوزه ارزیابی، مؤلفه توزیع سؤالات ارزیابی به گونه‌ای که فرصت مشارکت بیشترین تعداد فراگیران را فراهم آورد، از دیدگاه متخصصان در اولویت قرار دارند. سودی و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی نیازسنجی نیازهای فناوری آموزشی دانشجویان و اساتید انگلیسی در قطر و ایالات متحده» نیازهای تکنولوژی آموزشی دانش‌آموزان و معلمان در درس زبان انگلیسی را در قطر و ایالات متحده مورد بررسی قرار دادند و بیان نمودند که یکی از مهم‌ترین نیازهای تکنولوژیکی معلمان و دانش‌آموزان در درس زبان انگلیسی به کارگیری ابزارهای تکنولوژیکی همچون بازی‌های آموزشی جهت تولید محتوایی جذاب و برانگیزاننده است.

عبده حسن (۲۰۱۳) در پژوهشی تحت عنوان: «نیازهای آموزشی معلمان زبان عربی به غیر اهل زبان»، نیازهای فنی معلمان زبان عربی برای آموزش به غیر عرب‌زبان‌ها را بررسی کرده و دریافت که مهم‌ترین نیاز فنی معلمان هنگام آموزش به افرادی که آشنایی با این زبان ندارند، استفاده از ابزارهای فناورانه همچون چندرسانه‌های آموزشی جهت تولید محتوای آموزشی با قابلیت‌های گرافیکی همچون صدا و تصویر و کلیپ‌های ویدئویی، ایجاد یک وب‌سایت برای آموزش زبان عربی و طراحی ماژول‌های الکترونیکی برای مهارت‌های زبان عربی و انتشار آن‌ها از طریق یک برنامه مدیریت محتوای آنلاین است.

حمادنة (۲۰۰۷) پژوهشی را تحت عنوان: «نیازهای آموزشی لازم برای معلمان زبان عربی در مرحله پایه چنان‌که معلمان در ادارات آموزش و پرورش استان المفرق آن را ارزیابی می‌کنند» با هدف شناسایی نیازهای آموزشی معلمان زبان عربی در مراحل اولیه از دیدگاه خود معلمان در ادارات آموزش و پرورش استان مفرق کشور اردن انجام داد و دریافت که بیشترین نیاز آموزشی معلمان مربوط به حوزه‌های ارزشیابی، درونی‌سازی زبان، فناوری آموزشی و فناوری رایانه است و در حوزه‌های روش تدریس، مدیریت کلاس درس، برنامه‌ریزی درسی و ارتباط با والدین دانش‌آموزان نیازهای کمتری وجود دارد.

همانطور که قبلاً هم مطرح شد، نیازسنجی آموزشی به عنوان یک ابزار مؤثر جهت توانمندسازی اعضای هیأت علمی و همچنین یافتن شکاف بین آنچه انتظار می‌رود انجام گیرد و

1. Soudy et al

2. یک واحد نرم‌افزاری است که با کد برنامه‌نویسی نوشته می‌شود و در برنامه‌های نرم‌افزاری مختلف قابل استفاده است.

آنچه در حال انجام است، کاربرد دارد. عمدتاً در نظام‌های آموزشی نیازسنجی از درون‌داده‌ها، فرآیند و برون‌داده‌ها انجام می‌گیرد. اساتید به‌عنوان یکی از مهم‌ترین درون‌داده‌های نظام آموزش عالی محسوب می‌شوند که هدایت جریان آموزش را بر عهده دارند. بنابراین انتظار می‌رود بهتر از هر فرد و مقام مسئول دیگری به شناخت نیازها و توانمندی‌های خود پردازند. با توجه به چنین ضرورتی تاکنون پژوهش‌های مختلفی با هدف شناسایی نیازهای اعضای هیأت علمی انجام شده است، اما هیچ‌یک از آن‌ها مرتبط با حوزه زبان و ادبیات عربی نبوده است؛ بنابراین نقطه عطف پژوهش حاضر این است که ابتدا به شناسایی مهم‌ترین نیازهای آموزشی، مهارتی و نگرشی اساتید از دیدگاه صاحب‌نظران و اساتید این حوزه می‌پردازد و سپس با استفاده از روش ارزیابی توسط دیگران به‌عنوان یکی از شیوه‌های سنجش و ارزشیابی، اولویت نیازها را از دیدگاه دانشجویان این رشته مورد بررسی قرار می‌دهد.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است. روش پژوهش ترکیبی از نوع کیفی و کمی است. بخش اول این پژوهش به روش کیفی و براساس مدل نیازسنجی سه‌بعدی کافمن و در دو گام اصلی انجام گرفت. در گام اول، با روش نمونه‌گیری هدفمند، ۲۵ نفر از متخصصان و اساتید صاحب‌نظر در حوزه زبان و ادبیات عربی انتخاب شدند و نظرات آنان با استفاده از ابزار مصاحبه نیمه ساختارمند بررسی شد. سؤالات مطرح شده در مصاحبه به صورت ۵ سؤال بازپاسخ (۳ سؤال مربوط به حوزه دانش، نگرش و مهارت موردنیاز و مطلوب برای تدریس یک مدرس زبان و ادبیات عربی و ۲ سؤال مربوط به اولویت‌بندی دانش و مهارت‌های مصوب وزارت علوم) از نظر این اساتید بود. در این گام از روش کدگذاری موضوعی جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شد. بدین صورت که ابتدا به صورت پیش‌فرض و براساس تجارب زیسته فرض را بر این مبنای گذاشته که اساتید رشته زبان و ادبیات عربی به مجموعه‌ای از دانش، مهارت‌ها و نگرش‌هایی نسبت به (دانشجو، روش‌های تدریس، محتوای تدریس و شیوه‌های

^۱ پیش‌فرض اصلی این روش، آن است که در گروه‌ها یا جهان‌های اجتماعی گوناگون، می‌توان دیدگاه‌های متفاوتی پیدا کرد (این گروه‌ها قبلاً تعریف شده‌اند و ناشی از تفسیر نیستند).

ارزیابی) جهت تحقق اهداف و انجام وظایف محوله نیاز دارند. در این راستا ابتدا با مراجعه به سرفصل‌های مصوب وزارت علوم در رابطه با دانش، نگرش و مهارت‌های مورد نیاز اساتید این رشته، فهرستی از مقولات را تهیه نموده، سپس به هر کدام از مقولات مذکور کدهایی اختصاص داده شد و پس از انجام مصاحبه، پاسخ هریک از مصاحبه‌شوندگان به صورت خلاصه یادداشت شده و سپس با تحلیل عمیق و به صورت گزینشی (موردی) به هر کدام از موضوعات کدگذاری شده گویه‌هایی اختصاص داده شد. در گام دوم نیازها در قالب پرسشنامه‌ای ۶۲ سؤالی، براساس طیف ۵ درجه‌ای لیکرت در ۶ حیطه بررسی شد که شامل دانش‌ها (۱۶ گویه)، مهارت‌ها (۱۲ گویه)، شیوه تدریس (۱۲ گویه)، مسائل مرتبط با دانشجویان و کلاس (۱۰ گویه)، محتوای آموزشی (۵ گویه) و شیوه ارزشیابی (۷ گویه) هستند.

پس از مشخص شدن حیطه نیازها و گویه‌های مرتبط با آن به صورت پرسشنامه‌ای محقق ساخته و تأیید روایی محتوایی آن توسط ۱۰ نفر از اساتید رشته زبان و ادبیات عربی؛ جمع‌آوری داده‌ها آغاز گردید. سپس از میان ۳۱ دانشگاه دولتی کشور، ۱۰ دانشگاه شامل (دانشگاه مازندران، سمنان، شهید بهشتی، حکیم سبزواری، خلیج فارس بوشهر، تهران، شیراز، خوارزمی، فرهنگیان خراسان شمالی و کوثر بجنورد) به صورت هدفمند انتخاب شدند. در بخش کمی ۶۰۰۰ نفر از دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی، جامعه آماری پژوهش را تشکیل داده بودند که با استفاده از جدول تخمین نمونه مورگان ۳۶۱ نفر برآورد گردید، اما باتوجه به گستردگی دامنه موضوعی پژوهش محققین سعی بر آن داشته تا افراد بیشتری را بررسی کنند، به همین خاطر در نهایت ۴۸۶ نفر، با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتساب متناسب، به صورت تصادفی انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری انتساب متناسب که به آن نسبتی هم می‌گویند، زمانی استفاده می‌شود که جامعه هدف پژوهش دارای ساخت ناهمگن و نامتجانس باشند، لذا به علت عدم تجانس و ناهمگنی، جامعه پژوهش به طبقات مختلف تقسیم می‌شود، به طوری که افراد در هر طبقه شبیه و همگن باشند. سپس از هر طبقه یک نمونه تصادفی به نسبت تعداد افراد جامعه انتخاب می‌گردد، هم‌چنین این روش نمونه‌گیری در پژوهش‌هایی که پژوهشگر قصد مقایسه زیرگروه‌های مختلفی را داشته باشد، مناسب است. در پژوهش حاضر باتوجه به این که جامعه هدف یعنی دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی در دانشگاه‌های مختلف و از نظر جنسیت، دوره تحصیلی (کارشناسی، کارشناسی ارشد) و نوع دوره

تحصیلی (روزانه، شبانه) ناهمگن و نامتجانس بودند. با استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب به طبقات مختلف تقسیم شده و از هر طبقه به تناسب حجم جامعه، نمونه‌هایی به صورت تصادفی انتخاب شدند. در این بخش از روش‌های آمار توصیفی شامل فراوانی، میانگین و انحراف معیار و همچنین از آزمون t تک‌نمونه‌ای و t مستقل استفاده شد. پایایی پرسشنامه پژوهش با استفاده از آلفای کرونباخ ($\alpha=0/94$) برآورد گردید.

یافته‌ها

از مجموع پرسشنامه‌های توزیع شده، تعداد ۴۸۶ پرسشنامه تکمیل و بازگشت داده شدند که از این تعداد، ۱۱۶ نفر مربوط به دانشگاه مازندران، ۲۶ نفر مربوط به دانشگاه سمنان، ۱۰ نفر مربوط به دانشگاه شهید بهشتی، ۴۱ نفر مربوط به دانشگاه حکیم سبزواری، ۷۸ نفر مربوط به دانشگاه خلیج فارس بوشهر، ۳۹ نفر مربوط به دانشگاه تهران، ۳۶ نفر مربوط به دانشگاه شیراز، ۷۴ نفر مربوط به دانشگاه خوارزمی، ۲۲ نفر مربوط به دانشگاه فرهنگیان خراسان شمالی و ۴۴ نفر مربوط به دانشگاه کوثر بجنورد بودند. از نظر مقطع تحصیلی ۸۷/۹ درصد از دانشجویان در مقطع کارشناسی، ۱۲/۱ درصد در مقطع کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل بودند. همچنین از نظر نوع دوره تحصیلی ۴۴۷ نفر (۹۲ درصد) در دوره روزانه و ۳۹ نفر (۸ درصد) در دوره شبانه مشغول به تحصیل بودند.

سؤال اول پژوهش: نیازهای آموزشی، مهارتی و نگرشی اساتید رشته زبان و

ادبیات عربی کدامند؟

در پاسخ به سؤال اول پژوهش در بخش کیفی، پس از مصاحبه‌های انجام شده با متخصصان و اساتید رشته زبان و ادبیات عربی و نتایج حاصل از کدگذاری داده‌ها، ۶ حیطه از نیازهای آموزشی اساتید شامل دانش‌ها، مهارت‌ها، شیوه تدریس، مسائل مرتبط با دانشجویان و کلاس، محتوای آموزشی و شیوه ارزشیابی استخراج گردید که نتایج نهایی کدگذاری داده‌ها شامل حیطه نیازها و کدهای مربوط به هر حیطه در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: حیطه نیازهای آموزشی اساتید رشته زبان و ادبیات عربی و گویه‌های مرتبط با آن

حیطه نیازها	گویه‌ها	فراوانی
دانش‌ها	- سطح معلومات در استفاده از ابزارهای آموزشی و علمی روز	۷
	- استفاده مطلوب از فضای مجازی، رسانه‌ها، رایانه و کتاب‌های روزآمد	۶
	- دارا بودن دانش کافی در تخصص استاد	۲۲
	- تسلط کافی به نقد ادبی و قدرت نقد و تحلیل اشعار و متون	۱۷
	- تسلط کافی به دانش صرف و نحو	۲۱
	- تسلط به دانش بلاغت (معانی، بیان و بدیع)	۱۹
	- تسلط کافی بر زبان و واژگان زبان عربی	۲۴
	- تسلط کافی به تاریخ ادبیات و متون ادبی دوره‌های مختلف تاریخی قدیم و جدید عربی	۱۸
	- آشنایی با حوزه‌های جدید نقد ادبی	۱۲
	- آشنایی با مطالعات میان‌رشته‌ای جهت پاسخگویی به مسائل و دغدغه‌ها در خصوص حوزه علوم انسانی	۸
	- آشنایی با فرهنگ و اوضاع جهان عرب	۱۴
	- دانش به‌روز و مستمر در حوزه مورد تدریس	۱۶
	- دانش و اطلاع از شیوه‌های تدریس و جدیدترین و کارآمدترین متدهای کلاس‌داری	۱۱
	- اطلاع جامع از منابع رشته زبان و ادبیات عربی و معرفی آن‌ها به دانشجویان	۱۶
	- آشنایی با مباحث جدید رشته زبان عربی چون زبان‌شناسی، واج‌شناسی، معناشناسی، مورفولوژی، کاربردشناسی	۹
مهارت‌ها	- آشنایی با دانشگاه‌های معتبر جهانی و اساتید مطرح در رشته زبان و ادبیات عربی	۱۲
	- مهارت لازم در فن بیان و انتقال اطلاعات	۱۵
	- مهارت زبانی در تکلم و قدرت نگارش به زبان عربی (مهارت‌های چهارگانه زبانی)	۱۷
	- مهارت لازم جهت تدریس و ارتباط با دانشجو	۱۵
	- مهارت استفاده از رایانه و نرم‌افزارهای مرتبط با رشته	۸
	- مهارت استفاده از شبکه‌های اجتماعی در مسیر تعالی این رشته و دانشجو	۱۰
	- مهارت‌های لازم در خصوص امور تربیتی	۹

۵	- مهارت زبانی در رشته تخصصی به زبان انگلیسی	
۱۴	- مهارت زبانی کافی به زبان و ادبیات فارسی	
۱۲	- مهارت شیوه‌های مشارکت دادن دانشجویان در موضوع درس و بهره‌گیری از افکار و اندیشه‌های آنان در مباحث مطرح شده	
۶	- مهارت‌های شیوه‌های انگیزه‌دهی و ایجاد اشتیاق تنبیه‌های نامحسوس ولی قاطع در دانشجویان	
۷	- مهارت به‌کارگیری شیوه‌های نوین تدریس و آزمون‌سازی	
۱۸	- رعایت اخلاق علمی و دانشگاهی	شیوه تدریس
۱۵	- تمرکز روی درس‌ها و دوری از بحث‌های حاشیه‌ای	
۸	- روزآمد کردن همیشگی شیوه‌های تدریس	
۱۴	- ترغیب دانشجویان به مشارکت در درس	
۱۲	- تلاش در جهت تقویت مهارت‌های زبانی دانشجویان	
۱۱	- تلاش برای نزدیک نمودن دانشجو به فهم بیشتر و نقد جدی‌تر متون ادبی	
۱۳	- داشتن طرح درس و برنامه درسی	
۱۰	- به‌روز نگه داشتن شیوه‌های تدریس با مطالعه مستمر آن‌ها و اتخاذ بهترین و کارآمدترین روش‌ها	
۷	- سوق دادن دانشجویان به سوی تفکر و اندیشیدن به‌جای حفظ مطالب	
۹	- پذیرفتن واقعیت‌ها درخصوص دانشجویان و کلاس و حرکت همگام با آن‌ها و دوری از آرمان‌گرایی مطلق در این زمینه	
۱۷	- تأکید بر نظم و انضباط	
۱۶	- تلاش برای ارتقای سطح علمی دانشجویان	
۱۲	- نگاه به دانشجو به‌عنوان فردی طالب دانش که درصدد کسب مهارت لازم برای مشاغل مرتبط به رشته است	مسائل مرتبط با
۱۶	- رعایت اخلاق و رفتار تعامل‌گرایی انسانی و صحیح	
۱۵	- تلاش در جهت مشارکت دادن دانشجویان	
۱۴	- استقبال از بحث‌ها و سؤالات دانشجویان و ابراز چالش‌های آنان	
۱۷	- رفتار صمیمی، محترمانه، متعهدانه، و مسئولانه نسبت به دانشجویان	
۱۹	- رعایت فاصله لازم استاد و دانشجو	
۱۳	- احترام به حق ارزیابی خود توسط دانشجو	

۱۱	- تلاش در جهت روشنگری مخاطب و پرداختن به مسائل روز و بیان شیوه زندگی بهتر و امید دادن به آینده	دانشجویان و کلاس
۹	- تأکید بر پژوهش محوری	
۸	- ایجاد انگیزه خلاقیت علمی	
۱۲	- ایجاد هماهنگی میان محتوای دروس با نوع درس	محتوای آموزشی
۸	- به روزرسانی همیشگی محتوای آموزشی	
۱۰	- ایجاد تطابق میان محتوای آموزشی با تغییرات جامعه و نیاز مداوم بازار کار	
۱۴	- تلاش در جهت انتقال شایسته محتوای دروس با دانشجویان	
۱۱	- تلاش برای هدایت محتوای آموزشی به سمت تحلیل و دوری از توصیف صرف	شیوه ارزیابی
۸	- ایجاد توازن میان تعداد و سطح پرسش ها و پاسخ به آن ها متناسب با زمان کلاس و توان دانشجو	
۷	- کارآمدسازی شیوه های ارزیابی	
۶	- ارزیابی عینی و محسوس مهارت های لازم نزد دانشجو	
۹	- ارزیابی به دور از ایجاد ترس و حواشی جانبی و مبتنی بر ارتقای فهم و یادگیری	
۴	- ارزیابی مستمر کلاس در زمینه تدریس برای گرفتن بازخوردها	
۳	- استفاده از شیوه های آزمون سازی به روز و دوری از گرایش به سوی ذوق گرایی	
۵	- استقبال از شیوه های ارزیابی در کل ترم و نه منحصرأ در پایان ترم	

سؤال دوم پژوهش: میزان انطباق هر یک از نیازهای شنا سایی شده با دیدگاه

دانشجویان چگونه است؟

جهت پاسخگویی به سؤال حاضر به مقایسه میانگین تجربی و میانگین نظری (حد متوسط) هر یک از نیازها اقدام شد و به این منظور از آزمون t تک نمونه ای استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: آزمون t تک‌نمونه‌ای مربوط به انطباق نیازها با دیدگاه دانشجویان

حیطه‌ها	میانگین	t	df	p	تفاضل میانگین از حد موردانتظار*
دانش‌ها	۳,۵۶	۱۶,۳۶۷	۴۸۵	۰,۰۰۰	۰,۵۶
مهارت‌ها	۳,۳۶	۹,۸۹۵	۴۸۵	۰,۰۰۰	۰,۳۶
شیوه تدریس	۳,۴۵	۱۲,۲۶۲	۴۸۵	۰,۰۰۰	۰,۴۵
مسائل مرتبط با دانشجویان و کلاس	۳,۵۳	۱۴,۱۷۳	۴۸۵	۰,۰۰۰	۰,۵۳
محتوای آموزشی	۳,۳۷	۷,۷۱۱	۴۸۵	۰,۰۰۰	۰,۳۷
شیوه ارزشیابی	۲,۷۵	-۶,۲۲۵	۴۸۵	۰,۰۰۰	-۰,۲۵

* میانگین موردانتظار=۳

باتوجه به جدول فوق و با تأکید بر میزان مقادیر t به‌دست‌آمده، می‌توان مطرح نمود که تفاوت معنی‌داری در سطح ۰,۰۱ بین میانگین مشاهده‌شده و میانگین موردانتظار در تمامی مؤلفه‌های فوق وجود دارد که باتوجه به بالاتر بودن مقدار t از حد بحرانی آن (۱,۹۶) در تمامی آن‌ها می‌توان گفت که از دیدگاه نمونه‌های تحقیق نیاز اساتید به کسب دانش، مهارت‌ها و اطلاع از مسائل مرتبط با دانشجویان و کلاس و محتوای آموزشی از حد متوسط بالاتر بوده و برای اساتید ضروری است.

سؤال سوم پژوهش: آیا بین دیدگاه دانشجویان در خصوص نیازهای آموزشی، مهارتی و نگرشی اساتید رشته زبان و ادبیات عربی با توجه به مقطع تحصیلی تفاوت معناداری وجود دارد؟

جدول ۳: نتایج آزمون t مستقل جهت مقایسه متغیر حیطه نیازها در بین دانشجویان کارشناسی

و کارشناسی ارشد

اطمینان ۹۵٪		سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار T	آزمون لوین		مقدار F	سطح معناداری	
حد پایین	حد بالا								
-۰.۰۳۴	-۰.۴۵۰	۰.۰۲۲	۴۸۴	۲.۲۹۱	۰.۱۴۶	۲.۱۲۲	همگنی واریانس‌ها	دانش‌ها	
-۰.۰۴۱	-۰.۴۴۳	۰.۰۱۹	۷۷.۳۰۱	۲.۴۰۱			ناهمگنی واریانس‌ها		
-۰.۰۱۴	-۰.۴۵۲	۰.۰۳۷	۴۸۴	۲.۰۹۶	۰.۶۴۲	۰.۲۱۷	همگنی واریانس‌ها	مهارت‌ها	
-۰.۰۲۲	-۰.۴۴۵	۰.۰۳۱	۷۷.۴۳۰	۲.۲۰۱			ناهمگنی واریانس‌ها		
-۰.۰۱۹	-۰.۴۶۰	۰.۰۳۳	۴۸۴	۲.۱۴۰	۰.۷۶۲	۰.۰۹۲	همگنی واریانس‌ها	شیوه تدریس	
-۰.۰۲۲	-۰.۴۵۸	۰.۰۳۱	۷۶.۱۶۸	۲.۱۹۵			ناهمگنی واریانس‌ها		
-۰.۱۰۵	-۰.۵۵۵	۰.۰۰۴	۴۸۴	۲.۸۸۷	۰.۲۸۰	۱.۱۶۹	همگنی واریانس‌ها	مسائل مرتبط با دانشجویان و کلاس	
-۰.۱۲۶	-۰.۵۳۵	۰.۰۰۲	۸۰.۹۴۸	۳.۲۱۸			ناهمگنی واریانس‌ها		
۰.۲۰۵	-۰.۳۷۸	۰.۰۵۱	۴۸۴	۰.۵۸۱	۰.۹۱۰	۰.۰۱۳	همگنی واریانس‌ها	محتوای آموزشی	
۰.۱۷۷	-۰.۳۵۰	۰.۰۵۱	۸۱.۵۱۵	۰.۶۵۳			ناهمگنی واریانس‌ها		
۰.۰۳۹	-۰.۴۴۷	۰.۱۰۱	۴۸۴	۱.۶۴۴	۰.۶۱۴	۰.۲۵۵	همگنی واریانس‌ها	شیوه ارزشیابی	
۰.۰۳۶	-۰.۴۴۳	۰.۰۹۶	۷۶.۲۷۲	۱.۶۸۸			ناهمگنی واریانس‌ها		

نتایج جدول فوق درخصوص مقایسه دیدگاه دانشجویان در رابطه با اهمیت نیازهای آموزشی، مهارتی و نگرشی بر حسب مقطع تحصیلی، نشان می‌دهد که برای متغیرهای دانش، مهارت‌ها، شیوه تدریس و مسائل مرتبط با دانشجویان و کلاس، با توجه به سطح معنی‌داری آزمون تی مستقل که کمتر از مقدار مفروض ۰.۰۵ است، نتیجه می‌گیریم که اختلاف معناداری بین دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد از حیث اهمیت حوزه‌های مذکور وجود ندارد؛ اما برای متغیرهای محتوای آموزشی و شیوه ارزشیابی، با توجه به سطح معنی‌داری آزمون تی مستقل که بیشتر از مقدار مفروض ۰.۰۵ است، نتیجه می‌گیریم که اختلاف معناداری بین دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد از حیث اهمیت حوزه‌های مذکور وجود دارد.

سؤال چهارم پژوهش: اولویت‌بندی نیازهای آموزشی اساتید رشته زبان و ادبیات عربی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه‌های مختلف چگونه است؟

جدول ۴: اولویت‌بندی نیازهای آموزشی اساتید رشته زبان و ادبیات عربی از دیدگاه دانشجویان

اولویت	انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها	حیطه نیازها	
۴۱	۱,۰۱۶	۳,۲۸	سطح معلومات در استفاده از ابزارهای آموزشی و علمی روز	حیطه اول: دانش‌ها	
۵۳	۱,۱۰۵	۳,۱۷	استفاده مطلوب از فضای مجازی، رسانه‌ها، رایانه و کتاب‌های روزآمد		
۲	۰,۹۸۱	۳,۹۴	دارا بودن دانش کافی در تخصص استاد		
۱۲	۱,۰۴۲	۳,۶۸	تسلط کافی به نقد ادبی و قدرت نقد و تحلیل اشعار و متون		
۳	۰,۹۹۸	۳,۹۳	تسلط کافی به دانش صرف و نحو		
۵	۱,۰۳۰	۳,۸۲	تسلط به دانش بلاغت (معانی، بیان و بدیع)		
۱	۰,۹۲۳	۴,۰۰	تسلط کافی بر زبان و واژگان زبان عربی		
۶	۱,۰۲۵	۳,۸۱	تسلط کافی به تاریخ ادبیات و متون ادبی دوره‌های مختلف تاریخی قدیم و جدید عربی		
۳۲	۱,۰۴۷	۳,۳۹	آشنایی با حوزه‌های جدید نقد ادبی		
۴۳	۱,۰۵۱	۳,۲۷	آشنایی با مطالعات میان‌رشته‌ای جهت پاسخ‌گویی به مسائل و دغدغه‌ها درخصوص حوزه علوم انسانی		
۲۳	۱,۰۴۹	۳,۵۱	آشنایی با فرهنگ و اوضاع جهان عرب		
۱۷	۱,۰۱۷	۳,۶۰	دانش به‌روز و مستمر در حوزه مورد تدریس		
۳۴	۱,۰۷۷	۳,۳۴	دانش و اطلاع از شیوه‌های تدریس و جدیدترین و کارآمدترین متدهای کلاس‌داری		
۱۵	۱,۰۸۴	۳,۶۰	اطلاع جامع از منابع رشته زبان و ادبیات عربی و معرفی آن‌ها به دانشجویان		
۳۵	۱,۱۳۴	۳,۳۳	آشنایی با مباحث جدید رشته زبان عربی چون زبان‌شناسی، واج‌شناسی، معناشناسی، مورفولوژی، کاربردشناسی		
۳۱	۱,۱۶۳	۳,۴۰	آشنایی با دانشگاه‌های معتبر جهانی و اساتید مطرح در رشته زبان و ادبیات عربی		
۱۹	۱,۰۲۵	۳,۵۸	مهارت لازم در فن بیان و انتقال اطلاعات		مهارت لازم جهت تدریس و ارتباط با دانشجو
۷	۱,۰۱۷	۳,۷۸	مهارت زبانی در تکلم و قدرت نگارش به زبان عربی (مهارت‌های چهارگانه زبانی)		
۱۸	۱,۰۵۹	۳,۵۸	مهارت لازم جهت تدریس و ارتباط با دانشجو		

نیازسنجی آموزشی، مهارتی و نگرشی اعضای هیأت علمی رشته زبان و ادبیات عربی از دیدگاه دانشجویان مهدی شاهرخ*

۴۹	۱,۱۶۱	۳,۲۰	مهارت استفاده از رایانه و نرم افزارهای مرتبط با رشته	حیطه دوم: مهارت ها
۴۶	۱,۱۱۷	۳,۲۳	مهارت استفاده از شبکه های اجتماعی در مسیر تعالی این رشته و دانشجو	
۴۸	۱,۱۱۵	۳,۲۱	مهارت های لازم درخصوص امور تربیتی	
۵۵	۱,۱۵۳	۳,۰۰	مهارت زبانی در رشته تخصصی به زبان انگلیسی	
۲۱	۱,۰۴۸	۳,۵۲	مهارت زبانی کافی به زبان و ادبیات فارسی	
۲۸	۱,۰۸۷	۳,۴۳	مهارت شیوه های مشارکت دادن دانشجویان در موضوع درس و بهره گیری از افکار و اندیشه های آنان در مباحث مطرح شده	
۵۴	۱,۱۴۵	۳,۱۶	مهارت های شیوه های انگیزه دهی و ایجاد اشتیاق تنبیه های نامحسوس، ولی قاطع در دانشجویان	
۵۲	۱,۱۲۴	۳,۱۷	مهارت به کارگیری شیوه های نوین تدریس و آزمون سازی	
۸	۱,۰۱۹	۳,۷۷	رعایت اخلاق علمی و دانشگاهی	حیطه سوم: شیوه تدریس
۲۲	۱,۰۵۱	۳,۵۱	تمرکز روی درس ها و دوری از بحث های حاشیه ای	
۴۶	۱,۱۱۳	۳,۲۳	روزآمد کردن همیشگی شیوه های تدریس	
۲۴	۱,۰۶۵	۳,۵۰	ترغیب دانشجویان به مشارکت در دروس	
۳۰	۱,۱۱۷	۳,۴۱	تلاش در جهت تقویت مهارت های زبانی دانشجویان	
۳۳	۱,۰۹۶	۳,۳۸	تلاش برای نزدیک نمودن دانشجو به فهم بیشتر و نقد جدی تر متون ادبی	
۲۶	۱,۰۴۰	۳,۴۷	داشتن طرح درس و برنامه درسی	
۳۶	۱,۱۰۵	۳,۳۲	به روز نگه داشتن شیوه های تدریس با مطالعه مستمر آن ها و اتخاذ بهترین و کارآمدترین روش ها	
۴۸	۱,۱۷۷	۳,۲۲	سوق دادن دانشجویان به سوی تفکر و اندیشیدن به جای حفظ مطالب	حیطه چهارم: چهارم:
۴۲	۱,۰۷۳	۳,۲۷	پذیرفتن واقعیت ها درخصوص دانشجویان و کلاس و حرکت همگام با آن ها و دوری از آرمان گرایی مطلق در این زمینه	
۱۰	۱,۰۲۶	۳,۷۱	تأکید بر نظم و انضباط	
۱۴	۱,۰۷۶	۳,۶۱	تلاش برای ارتقای سطح علمی دانشجویان	
۲۹	۱,۰۵۸	۳,۴۲	نگاه به دانشجو به عنوان فردی طالب دانش که درصدد کسب مهارت لازم برای مشاغل مرتبط به رشته است	
۱۱	۱,۰۴۶	۳,۶۹	رعایت اخلاق و رفتار تعامل گرایی انسانی و صحیح	
۱۳	۱,۰۱۶	۳,۶۴	تلاش در جهت مشارکت دادن دانشجویان	
۱۶	۱,۰۵۶	۳,۶۰	استقبال از بحث ها و سؤالات دانشجویان و ابراز چالش های آنان	
۹	۱,۰۸۹	۳,۷۶	رفتار صمیمی، محترمانه، متعهدانه، و مسئولانه نسبت به دانشجویان	
۴	۰,۹۹۲	۳,۸۷	رعایت فاصله لازم استاد و دانشجو	
۲۰	۱,۱۱۲	۳,۵۶	احترام به حق ارزیابی خود توسط دانشجو	

۳۸	۱،۰۹۷	۳،۳۱	تلاش در جهت روشنگری مخاطب و پرداختن به مسائل روز و بیان شیوه زندگی بهتر و امید دادن به آینده	مسائل مرتبط با دانشجویان
۴۴	۱،۱۶۳	۳،۲۴	تأکید بر پژوهش محوری	دانشجویان
۴۶	۱،۱۵۱	۳،۲۲	ایجاد انگیزه خلاقیت علمی	و کلاس
۲۷	۱،۱۰۷	۳،۴۴	ایجاد هماهنگی میان محتوای دروس با نوع درس	حیطه پنجم: محتوای آموزشی
۴۵	۱،۱۱۶	۳،۲۳	به‌روزرسانی همیشگی محتوای آموزشی	
۴۳	۱،۱۳۵	۳،۲۵	ایجاد تطابق میان محتوای آموزشی با تغییرات جامعه و نیاز مداوم بازار کار	
۲۵	۱،۰۴۶	۳،۴۹	تلاش در جهت انتقال شایسته محتوای دروس با دانشجویان	
۳۸	۱،۰۵۵	۳،۳۰	تلاش برای هدایت محتوای آموزشی به سمت تحلیل و دوری از توصیف صرف	
۳۷	۱،۰۹۰	۳،۳۱	ایجاد توازن میان تعداد و سطح پرسش‌ها و پاسخ به آن‌ها متناسب با زمان کلاس و توان دانشجو	حیطه ششم: شیوه ارزیابی
۳۹	۱،۰۴۴	۳،۲۹	کارآمدسازی شیوه‌های ارزیابی	
۴۰	۱،۰۵۶	۳،۲۸	ارزیابی عینی و محسوس مهارت‌های لازم نزد دانشجو	
۳۷	۱،۱۱۳	۳،۳۲	ارزیابی به‌دور از ایجاد ترس و حواشی جانبی و مبتنی بر ارتقای فهم و یادگیری	
۵۰	۱،۰۹۹	۳،۲۰	ارزیابی مستمر کلاس در زمینه تدریس برای گرفتن بازخوردها	
۵۱	۱،۱۰۶	۳،۱۹	استفاده از شیوه‌های آزمون‌سازی به‌روز و دوری از گرایش به‌سوی ذوق‌گرایی	
۴۷	۱،۱۹۲	۳،۲۲	استقبال از شیوه‌های ارزیابی در کل ترم و نه منحصرأ در پایان ترم	

نتایج جدول فوق، بیانگر آن است که در حوزه دانش موردنیاز اساتید رشته زبان و ادبیات عربی، بیشترین نیاز به «تسلط کافی بر زبان و واژگان عربی» و کمترین نیاز به «استفاده مطلوب از فضای مجازی، رسانه‌ها، رایانه‌ها و کتاب‌های روزآمد»؛ در حوزه مهارت‌های موردنیاز، بیشترین نیاز «مهارت‌های چهارگانه زبانی» و کمترین نیاز «مهارت‌های زبانی در رشته تخصصی به زبان انگلیسی»؛ در حوزه شیوه تدریس، بیشترین نیاز «رعایت اخلاق علمی و دانشگاهی» و کمترین نیاز «سوق دادن دانشجویان به‌سوی تفکر و اندیشیدن، به‌جای حفظ مطالب»؛ در حوزه مسائل مرتبط با دانشجویان و کلاس، بیشترین نیاز «رعایت فاصله لازم استاد و دانشجو» و کمترین نیاز «ایجاد انگیزه خلاقیت علمی»؛ در حوزه محتوای آموزشی، بیشترین نیاز «تلاش در جهت انتقال شایسته محتوای دروس با دانشجویان» و کمترین نیاز «به‌روزرسانی همیشگی محتوای آموزشی» و در حوزه شیوه ارزشیابی، بیشترین نیاز «ارزیابی به‌دور از ایجاد ترس و حواشی جانبی و مبتنی بر ارتقای فهم و یادگیری» و کمترین نیاز «استفاده از شیوه‌های آزمون‌سازی به‌روز و دوری از گرایش به‌سوی ذوق‌گرایی» است. هم‌چنین به‌طورکلی از میان ۶

حیطه نیازهای آموزشی، گویه ۷ از حیطه دانش، با میانگین ۴,۰۰ بیشترین؛ و گویه ۲۳ از حیطه مهارت‌ها با میانگین ۳,۰۰ کمترین امتیاز را کسب کرده‌اند.

نتیجه

یکی از حوزه‌های مغفول در حوزه زبان و ادبیات عربی، فرآیند نیازسنجی اساتید این رشته است که تاکنون پژوهشی در این زمینه انجام نشده و همین مسئله، انگیزه اصلی برای انجام پژوهش حاضر بوده است؛ چرا که با شناسایی نیازهای آموزشی اساتید این رشته، می‌توان با دید بهتری برنامه‌ریزی نموده و از طرفی نیازهای دانشجویان را هم مدنظر قرار داد. در پاسخ به سؤال اول پژوهش مبنی بر این‌که نیازهای آموزشی، مهارتی و نگرشی اساتید رشته زبان و ادبیات عربی کدامند؟ در بخش کیفی نتایج حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و کدگذاری داده‌ها نشان داد، ۶ حیطه از نیازها شامل: دانش‌ها، مهارت‌ها، شیوه تدریس، مسائل مرتبط با دانشجویان و کلاس، محتوای آموزشی و شیوه ارزشیابی، به‌عنوان مهم‌ترین نیازهای آموزشی اساتید رشته زبان و ادبیات عربی محسوب می‌شود. منظور از حیطه دانش به‌عنوان یکی از نیازهای آموزشی، این است که اساتید این رشته باید در زمینه صرف و نحو و بلاغت (معانی، بیان و بدیع) از دانش کافی برخوردار باشند. از نظر ۹۶ درصد از مصاحبه‌شوندگان لازم است اساتید نسبت به کاربرد واژگان زبان عربی تسلط کافی داشته باشند، چرا که مهم‌ترین مسئله در زبان عربی، واژگان و لغات عربی است و عدم تسلط اساتید نسبت به این مسئله، منجر به عدم فهم واژگان از سوی دانشجویان و مبهم بودن زبان عربی برای آنان می‌شود. از طرف دیگر، از آنجایی که امروزه همه چیز به سرعت در حال تغییر و تحول است و در هر زمانی دریچه‌ای جدید از علم گشوده می‌شود، رشته زبان و ادبیات عربی نیز از این قاعده مستثنی نیست و دائماً تغییر و تحول می‌یابد، لذا آشنایی با مباحث جدید رشته زبان عربی، مانند: زبان‌شناسی، واج‌شناسی، معناشناسی، مورفولوژی و کاربردشناسی، آشنایی با دانشگاه‌های معتبر جهانی و اساتید مطرح در رشته زبان و ادبیات عربی، استفاده مطلوب از فضای مجازی، رسانه‌ها، رایانه و کتاب‌های روزآمد ضروری بوده و به اساتید در پیشبرد اهدافشان و یادگیری بهتر دانشجویان کمک شایانی می‌نماید. اساتید علاوه بر کسب دانش در زمینه‌های مطرح‌شده که عموماً به‌صورت نظری انجام می‌پذیرد، نیازمند کاربرد این دانش‌ها در زمینه عملی و در قالب

مهارت‌ها هستند. به‌عنوان مثال، زمانی که اساتید دانش کافی در زمینه واژگان و لغات عربی کسب نمودند، باید از مهارت کافی در فن بیان و انتقال مطالب نیز برخوردار باشند، به این دلیل که زبان عربی به نسبت، از واژگان و قواعد دشواری تشکیل شده است که درک آن از سوی دانشجویان مشکل بوده و تسهیل آن باید از سوی اساتید انجام گیرد. همچنین مهارت لازم جهت تدریس موضوعات درسی، مهارت استفاده از رایانه و نرم‌افزارهای مرتبط با رشته، مهارت استفاده از شبکه‌های اجتماعی در مسیر تعالی این رشته و دانشجویان، مهارت‌های لازم در خصوص امور تربیتی، مهارت‌های اجتماعی در رشته تخصصی به زبان انگلیسی، مهارت‌های کافی به زبان و ادبیات فارسی، مهارت شیوه‌های مشارکت دادن دانشجویان در موضوع درس و بهره‌گیری از افکار و اندیشه‌های آنان در مباحث مطرح شده و مهارت‌های شیوه‌های انگیزه‌دهی و ایجاد اشتیاق تنبیه‌های نامحسوس، ولی قاطع در دانشجویان؛ از جمله مهارت‌های مورد نیاز اساتید محسوب می‌شود.

اساتید ضمن کسب دانش و مهارت‌های کافی در حوزه زبان و ادبیات عربی، نیازمند انتقال این دانش و مهارت‌ها به دانشجویان هستند، یکی از مهم‌ترین ابزار اساتید برای انتقال مطالب آموزشی که از دیرباز مورد توجه بوده، شیوه‌های تدریس است. از نظر صاحب‌شوندگان پژوهش، رعایت اخلاق علمی و دانش‌گاهی، تمرکز بر روی درس‌ها و دوری از بحث‌های حاشیه‌ای، روزآمد کردن همیشگی شیوه‌های تدریس، ترغیب دانشجویان به مشارکت در درس، تلاش در جهت تقویت مهارت‌های زبانی دانشجویان، تلاش برای نزدیک نمودن دانشجویان به فهم بیشتر و نقد جدی‌تر متون ادبی، داشتن طرح درس و برنامه درسی، به‌روز نگه داشتن شیوه‌های تدریس با مطالعه مستمر آن‌ها و اتخاذ بهترین و کارآمدترین روش‌ها، سوق دادن دانشجویان به سوی تفکر و اندیشیدن به جای حفظ مطالب، پذیرفتن واقعیت‌ها در خصوص دانشجویان و کلاس و حرکت همگام با آن‌ها و دوری از آرمان‌گرایی مطلق در این زمینه، تأکید بر نظم و انضباط و تلاش برای ارتقای سطح علمی دانشجویان؛ از مهم‌ترین مسائلی است که اساتید رشته زبان و ادبیات عربی به آن نیازمند بوده و باید بدان توجه کنند.

یکی دیگر از نیازهای آموزشی اساتید این رشته، مسائل مرتبط با دانشجویان و کلاس است؛ چرا که اساتید دائماً با دانشجویان در ارتباط بوده و مخاطب اصلی برای کسب مطالب و محتوای آموزشی دانشجویان هستند، از جمله مسائلی که اساتید در رابطه با دانشجویان باید

به آن توجه نمایند، عبارتند از: نگاه به دانشجو به عنوان فردی طالب دانش که درصدد کسب مهارت لازم برای مشاغل مرتبط به رشته است، رعایت اخلاق و رفتار تعامل‌گرایی انسانی و صحیح، تلاش در جهت مشارکت‌دادن دانشجویان، استقبال از بحث‌ها و سؤالات دانشجویان و ابراز چالش‌های آنان، رفتار صمیمی، محترمانه، متعهدانه، و مسئولانه نسبت به دانشجویان، رعایت فاصله لازم استاد و دانشجو جهت حفظ حریم‌های اخلاقی، احترام به حق ارزیابی خود توسط دانشجو، تلاش در جهت روشنگری مخاطب و پرداختن به مسائل روز و بیان شیوه زندگی بهتر و امید دادن به آینده، تأکید بر پژوهش‌محوری و ایجاد انگیزه خلاقیت علمی. محتوای کتب درسی نیز باید به شیوه‌ای متناسب و هماهنگ با نوع درس و به صورت تحلیلی و نه توصیفی صرف و متناسب با تغییر و تحولات جامعه و به صورت به‌روز و پویا ارائه شود.

از طریق ارزشیابی می‌توان مشخص نمود تا چه اندازه اهداف مطرح شده، محقق شده و آیا نتایج مطلوبی حاصل شده یا خیر؟ در همین راستا، یکی از نیازهای آموزشی اساتید، شیوه‌های ارزشیابی است. هر فرآیند آموزش و یادگیری در نهایت، نتایجی را دربرداشته، که این نتایج از طریق ارزشیابی صورت می‌گیرد و ارزشیابی، شیوه‌ها و مسائل مربوط به خود را دارد که یکی از این مسائل، ایجاد توازن میان تعداد و سطح پرسش‌ها و پاسخ به آن‌ها متناسب با زمان کلاس و توان دانشجو است. بسیاری از مواقع، اساتید برخلاف مباحث ارائه شده در کلاس و فراتر از سطح توانایی و معلومات دانشجویان ارزشیابی به عمل می‌آوردند، که منجر به ایجاد ترس و دلهره در آنان و گاه افت تحصیلی می‌شود. به همین خاطر، اساتید باید به توصیه‌های مطرح شده از سوی متخصصان و صاحب‌نظران پژوهش شامل: کارآمدسازی شیوه‌های ارزشیابی، ارزشیابی عینی و محسوس مهارت‌های لازم نزد دانشجو، ارزشیابی به‌دور از ایجاد ترس و حواشی جانبی و مبتنی بر ارتقای فهم و یادگیری، ارزشیابی مستمر کلاس در زمینه تدریس برای گرفتن بازخوردها، استفاده از شیوه‌های آزمون‌سازی به‌روز و دوری از گرایش به سوی ذوق‌گرایی و استقبال از شیوه‌های ارزشیابی در کل ترم و نه منحصرأ در پایان ترم، توجه نمایند.

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش درخصوص این که میزان انطباق هر یک از نیازهای شناسایی شده با دیدگاه دانشجویان چگونه است؟ نتایج حاصل نشان داد که از نظر دانشجویان نیازهای مطرح شده در حوزه دانش، مهارت، شیوه تدریس، مسائل مرتبط با دانشجویان و

کلاس و محتوای آموزشی به عنوان مهم‌ترین نیازهای اساتید محسوب می‌شوند و با دیدگاه آنان منطبق است و برای اساتید ضروری است.

در پاسخ به سوال سوم مبنی بر مقایسه ضرورت هر یک از حوزه‌ها از دیدگاه دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد، نتایج نشان داد که در رابطه حوزه دانش، مهارت، شیوه تدریس و مسائل مرتبط با دانشجویان و کلاس درسی میان دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد تفاوت معناداری وجود ندارد در واقع هر دو گروه نظرات یکسانی دارند اما در رابطه با محتوای آموزشی و شیوه‌های ارزشیابی اختلاف نظر وجود دارد. یکی از دلایل این اختلاف نظر آن است که محتوای آموزشی در دوره کارشناسی ترکیبی از دروس عمومی و تخصصی است و بیشتر جنبه آموزش محور دارد اما محتوای دوره کارشناسی ارشد تخصصی‌تر بوده و مبتنی بر پژوهش محوری است. شیوه‌های ارزشیابی نیز در دوره کارشناسی اغلب مبتنی بر حفظ مطالب و موفقیت در امتحانات پایانی است در حالی که در دوره کارشناسی ارشد جنبه عینی‌تری می‌یابد.

در پاسخ به سؤال چهارم پژوهش درخصوص الویت‌بندی نیازهای آموزشی اساتید رشته زبان و ادبیات عربی از دیدگاه دانشجویان، نتایج حاکی از آن بود که از نظر دانشجویان در حوزه دانش مورد نیاز اساتید، «تسلط کافی بر زبان و واژگان زبان عربی»، در حیطه مهارت‌های مورد نیاز از دیدگاه دانشجویان، «مهارت‌های چهارگانه زبانی «یعنی مهارت خواندن، نوشتن، گوش دادن و صحبت کردن، در زمینه شیوه تدریس، «رعایت اخلاق علمی و دانشگاهی»، در حیطه مسائل مرتبط با دانشجویان و کلاس «رعایت فاصله لازم اساتید با دانشجویان» در اولویت اول، در حیطه محتوای آموزشی «تلاش در جهت انتقال شایسته محتوای دروس با دانشجویان» و در رابطه با آخرین حیطه، یعنی شیوه ارزشیابی «ارزیابی به‌دور از ایجاد ترس و حواشی جانبی و مبتنی بر یادگیری» بیشترین اهمیت را داشته و در الویت اول قرار دارند. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت برای افزایش دانش، نگرش و مهارت‌های اساتید رشته زبان و ادبیات عربی، باید در وهله اول گروه‌های آموزشی این رشته در هر دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی، نسبت به برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای اساتید اقدام نموده و در وهله بعد، فرآیند نیازسنجی را به‌طور مداوم، هم برای دانشجویان، و هم اساتید انجام داد.

باتوجه به اهمیت فرآیند نیازسنجی در تحقق اهداف و حرکت از وضع موجود به مطلوب، و با در نظر گرفتن یافته‌های پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌گردد دانشگاه‌ها کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی را براساس نیازهای شناسایی شده و اولویت آن‌ها برگزار نمایند. تغییر در سرفصل‌ها و کیفیت دوره‌های آموزشی پیشنهاد دیگری است که می‌تواند استانداردهای آموزشی در این زمینه را بالا ببرد. هم‌چنین در پژوهش حاضر، شناسایی نیازهای آموزشی اساتید رشته زبان و ادبیات عربی از دیدگاه دانشجویان در دانشگاه‌های دولتی در سطح کلان بررسی شد، پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی سایر دانشگاه‌ها در سطح خرد و درون‌دانشگاهی را بررسی نمایند.

منابع

الف) کتب

- ابطحی، حسین (۱۳۸۳)، مدیریت منابع انسانی. تهران: دانشگاه پیام نور.
- فتحی و اجارگاه، کوروش (۱۳۹۵)، اصول و مفاهیم اساسی برنامه‌ریزی درسی. تهران: علم استادان.
- مهرمحمدی، محمود و همکاران (۱۳۹۳)، برنامه درسی نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها. تهران: سمت.
- وثوقی فرد، رقیه (۱۳۹۳)، «نیازسنجی آموزشی اعضای هیأت علمی جدیدالورود دانشگاه مازندران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی گرایش برنامه‌ریزی آموزشی. بابلسر: دانشگاه مازندران.

ب) مقالات

- بدری آذرین، یعقوب (۱۳۹۱)، «نیازسنجی آموزشی فن‌آوری اطلاعاتی و ارتباطی (ICT) اعضای هیأت علمی گروه‌های تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه‌ها». مدیریت ورزشی. (۱۳): ۵-۲۵.
- پروینی، خلیل (۱۳۸۹)، «بررسی و نقد روش آموزش زبان عربی به شیوه مستقیم (بررسی موردی: کتاب‌های دکتر حسین خراسانی)». فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی. (۲): ۳۲-۷.
- حمادنة، أديب (۲۰۰۷)، «الاحتياجات التدريبية اللازمة لمعلمي اللغة العربية في المرحلة الأساسية كما يقدرها المعلمون في مديريات التربية والتعليم لمحافظة المرق». المجلة الأردنية في العلوم التربوية. مجلد ۳، عدد ۱. صص ۶۸-۵۳.
- خداپاری، مینا؛ حسینی نسب، داوود؛ و یاری، جهانگیر (۱۳۹۳)، «نیازسنجی آموزشی کارکنان خدمات آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز در سال ۹۱-۹۰». آموزش و ارزشیابی. (۲۵): ۱۳-۲۸.
- عبده حسن، محمد أحمد (۲۰۱۳)، «الاحتياجات التكنولوجية لمعلمي اللغة العربية للناطقين بغيرها». <http://azhar-ali.com>

عزیزی شمایی، مصطفی؛ نوه‌ابراهیم، عبدالرحیم؛ و قراگوزلو، سمیه (۱۳۹۰)، «بررسی نیازهای آموزشی مدرّسان فرهنگ و هنر دانشگاه جامع علمی- کاربردی تهران». پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی. (۱۶): ۲۲-۳۴.

کریمی، اعظم؛ انصاری، نرگس (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی زبان‌های عربی و انگلیسی با استناد به شیوه‌های زبان‌شناسی مقابله‌ای و مؤلفه‌های آموزشی». لسان مبین (پژوهش ادب عربی). ۶(۱۷): ۱۱۰-۱۳۳.

کریمی و دیگران (۱۳۹۷)، «تحلیلی بر نیازهای آموزشی اعضای هیأت علمی به منظور توانمندسازی آنان در دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد. راهبردهای توسعه در آموزش پزشکی». ۶(۱): ۴۷-۵۹.

کیتا، جاکاریجا و زیداسماعیل، محمد (۲۰۱۶)، «الكفايات التربوية لمعلمي اللغة العربية للناطقين بغيرها في ضوء معايير الجودة من وجهة نظر المختصين». المجلة العربية في العلوم الإنسانية والاجتماعية. السنة الثامنة، العدد ۲۵. صص ۱-۲۶.

محمدی رکعتی، دانش؛ متقی‌زاده، عیسی؛ فروزنده، الهام؛ و فکری، مسعود (۱۳۹۴)، «نیازسنجی برنامه‌داری درسی مهارت‌های زبانی در مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات عربی (تحلیل مشکلات زبانی دانشجویان در مهارت‌های زبانی)». جستارهای زبانی. ۶(۴): ۲۵۱-۲۷۴.

میرزایی‌کارزان، علیرضا؛ کیخاونی، ستار؛ حسین‌زاده، مرتضی؛ و عیوضی، علی‌اشرف (۱۳۹۲)، «نیازسنجی آموزشی اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام». توسعه آموزش در علوم پزشکی. ۶(۱۱): ۶۱-۷۱.

نارنجی‌ثانی، فاطمه؛ عبادی، رحیم؛ مصطفوی، زینب‌السادات؛ و یوزباشی، علیرضا (۱۳۹۶)، «شناسایی نیازهای یادگیری اعضای هیأت علمی در آموزش عالی الکترونیکی». مطالعات آموزشی و آموزشگاهی. ۳(۱۰): ۳۰-۵۳.

Garira, E (2020), Needs assessment for the development of educational interventions to improve quality of education: A case of Zimbabwean primary schools. *Journa of Social Sciences & Humanities Open*. 2(1): 1-7.

Soudy, N, Teves, E.A, Dias, B, Pessoa, S & Dias, M.B (2015). A Needs Assessment Study of the Educational Technology Needs of English Literacy Students and Teachers in Qatar and the U.S. The Robotics Institute Carnegie Mellon University Pittsburgh, Pennsylvania.

تحدید الاحتياجات التعليمية والمهارية والرؤیوية لأعضاء هیئة التدريس في فرع اللغة العربية وآدابها من وجهة نظر الطلاب (دراسة حالة: طلاب البكالوريوس والماجستير في اختصاص الأدب العربي بالجامعات الحكومية الإيرانية)

نوع المقالة: أصيلة

مصطفى عزیزی شمایی^۱، مهدی شاهرخ^{۲*}، نیلوفر محرمی^۳

۱. أستاذ مساعد في قسم العلوم التربوية بجامعة مازندران

۲. أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة مازندران

۳. طالبة ماجستير في قسم العلوم التربوية بجامعة مازندران

الملخص

هدف هذه الدراسة تحديد الاحتياجات التعليمية والمهارية والرؤیوية لأعضاء هیئة التدريس في مجال اللغة العربية وآدابها وفق آراء طلاب البكالوريوس والماجستير في اختصاص الأدب العربي في الجامعات الحكومية الإيرانية. منهج البحث مزيج من المنهجين النوعي والكمي والذي تم إجراؤه على مرحلتين: في المرحلة الأولى أجريت مقابلات شبيهة منظمة مع ۲۵ من الأساتذة المتخصصين في مجال اللغة العربية وآدابها بشكل مستهدف، من أجل تحديد أهم الاحتياجات التعليمية للأساتذة، ثم خلّلت المعلومات التي جُمعت باستخدام طريقة التميز الموضوعي، كما صُنفت المؤشرات المرتبطة في ۶ مجالات عامة. في المرحلة الثانية من أجل تحديد أولويات كلٍّ من المجالات، اختير ۴۸۶ طالباً كعينة باستخدام طريقة أخذ العينات من فئة التخصص النسبي من بين ۶۰۰۰ طالب البكالوريوس وطلاب الماجستير في اختصاص الأدب العربي، كما اختير ۱۰ جامعات من بين ۳۱ جامعة حكومية إيرانية بشكل مستهدف. أظهرت النتائج أنه من أهم الاحتياجات التعليمية للأساتذة هو إتقان اللغة العربية ومفرداتها في مجال المعرفة المطلوبة؛ وإجادة المهارات اللغوية في مجال المهارات المطلوبة؛ ومراعاة الأخلاقيات العلمية والأكاديمية في مجال طرق التدريس؛ ومراقبة المسافة اللازمة في مجال القضايا المتعلقة بالصف والطلاب حفاظاً على الخصوصية الأخلاقية؛ والسعي وراء النقل الصحيح لمحتوى الدروس للطلاب في مجال المحتوى التعليمي؛ والتقييم العادل البعيد عن المخاوف والهوامش في مجال طرق التقييم. كما لا توجد فروق ذات دلالة إحصائية بين المرحلة الدراسية ووجهات الطلاب حول احتياجات الأساتذة باستثناء محتوى التعليمي وطريقة التقييم.

الكلمات الرئيسية: تقييم الاحتياجات التعليمية، أعضاء هیئة التدريس، تحديد أولويات الاحتياجات، تدريس اللغة العربية وآدابها.

Identify Training, Skill and Attitude Needs of faculty members Arabic Language and Literature from the students' viewpoint (Case study: Undergraduate and graduate students majoring in Arabic language and literature at State University in Iran)

Article Type: Research

Mostafa Azizi Shamami¹, Mehdi Shahrokh^{*2}, Nilufar Moharami³

1-Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Mazandaran University

2-Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Mazandaran University

3- Master student of the Department of Educational Sciences, Mazandaran University

Abstract

The aim of this study was to identify the educational, skill and attitude needs of faculty members in the field of Arabic language and literature from the perspective of undergraduate and graduate students majoring in Arabic literature in public Universities. The research method is a qualitative-quantitative combination that was performed in two stages. In the first stage, in order to identify the most important educational needs of professors, semi-structured interviews were conducted with 25 specialists and professors in the field of Arabic language and literature. The collected information was analyzed using thematic coding method and the relevant components were classified into 6 general areas. In the second stage, in order to prioritize each of the domains, among 6000 undergraduate and graduate students majoring in Arabic literature in 31 public universities of the country, first 10 universities were purposefully selected and then 486 people were selected as a sample using proportional classification sampling method. The results showed that in the field of knowledge required by teachers, sufficient mastery of Arabic language and vocabulary, in the field of required skills, quadriceps skills, in the field of teaching methods, observance of scientific and academic ethics, in the field of issues related to students and class, observing the necessary distance In order to maintain moral privacy, professors and students in the field of educational content, efforts to properly convey the content of courses with students and in the field of evaluation methods, evaluation away from creating fear and side margins and are considered as the most important educational needs of teachers. Also, there is no significant difference between the educational level and students' views on the needs of professors, except for the two components of educational content and evaluation method.

Keywords: Educational Needs Assessment, Faculty Members, Needs Prioritization, Arabic Language and Literature

* Corresponding Author:

m.shahrokh@umz.ac.ir